

# دانشگاه؛ پل ارتباط

## علم و صنعت

دکتر حسن قلی پور

**دانشگاه ها را به تعبیری می توان پل ارتباطی بین علم و صنعت دانست اگر در جامعه ای سرمایه گذاری و برنامه ریزی های لازم در جهت توسعه و به روز رسانی ساختارهای دانشگاهی و نیز اصلاح زیرساختهای مراکز آموزشی عالی، صورت بپذیرد، آن جامعه در حوزه های مختلف عملی و صنعتی با چالشهای اساسی مواجه خواهد شد. در این راستا گفتگویی را با دکتر حسن قلی پور - معاونت پژوهشی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران - داشته ایم که در ادامه مطالعه خواهید کرد.**

### گام اول؛ معرفی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

دانشکده مدیریت تحت عنوان موسسه علوم اداری در سال ۱۳۳۳ هجری شمسی به موجب عقد قرارداد بین دانشگاه تهران و دانشگاه کالیفرنیا جنوبی به منظور تربیت مدیران برای اداره سازمانهای دولتی و خصوصی، در دانشکده حقوق دانشگاه تهران تأسیس گردید و فعالیت خود را با همکاری گروهی از اساتید آمریکایی آغاز کرد. از شهریورماه سال ۱۳۳۶ اداره آن به متخصصان و اساتید ایرانی واگذار گردید و موسسه نیز به نام "موسسه علوم اداری و بازرگانی" موسوم گشت. در سال تحصیلی ۴۴-۱۳۳۳ با تصویب شورای دانشگاه و تأیید شورای مرکزی دانشگاه ها این مرکز علمی با تغییر نام به "دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی" دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۳ به آموزش دانشجویان در مقطع کارشناسی و در رشته های علوم اداری و مدیریت بازرگانی و نیز مقطع کارشناسی ارشد در رشته های اداره امور دولتی و مدیریت بازرگانی و حسابداری اشتغال داشته است. در سال ۱۳۴۷ مقطع کارشناسی رشته حسابداری، در سال ۱۳۵۵-۱۳۵۴ رشته دکتری مدیریت، در سال ۱۳۶۲ کارشناسی رشته مدیریت صنعتی و در سال ۱۳۶۶ کارشناسی مدیریت بیمه به رشته ها و مقاطع مبتنی اضافه گردید. همچنین در سال ۱۳۶۷ دوره دکتری مدیریت - پس از انقلاب اسلامی - مجدداً بازگشائی گردید. در تاریخ دی ماه ۱۳۷۸ طبق مصوبه شورای دانشگاه تهران و سپس تیرماه ۱۳۷۶ و بر اساس مصوبه شورای

گسترش آموزش عالی نام دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی به "دانشکده مدیریت" دانشگاه تهران تغییر یافت. هم اکنون این دانشکده به آموزش و تربیت نیروهای متخصص در رشته های مدیریت بازرگانی، مدیریت صنعتی، مدیریت دولتی، مدیریت بیمه و حسابداری مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری مدیریت اشتغال دارد تا رسالت خویش را که اهتمام در جهت تربیت افراد متخصص، متعهد و ارزشمند برای کشور می باشد، به انجام رساند. در حال حاضر ریاست این دانشکده را دکتر محمد سعید تسلیمی بر عهده دارد.

### نمای کلی از وضعیت فعلی دانشکده را ارائه دهید؟

اعتقاد ما بر این است که دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، تنها دانشکده ای است که در بین تمامی دانشگاه های ایران محوریتی مدیریتی دارد و تمایز دارد که شاخه های مختلف مدیریتی را به عنوان گروه هایی معرفی و مطرح کند، برای مثال گروه مدیریت صنعتی، مدیریت دولتی، مدیریت مالی و ... که در تمامی این گروه ها هم دروس، توسط اساتید مجرب تدریس می شود و هم فارغ التحصیلان این دانشکده افراد توانمندی می باشند که پس از اتمام دوره تحصیل خود، به سرعت جذب سازمانها و شرکت ها شده و ما حتی مواردی داریم که سازمانی در انتظار فارغ التحصیل شدن دانشجویان این دانشکده بوده اند و پس از آن فعالیت خود را شروع کنند. در مقطع کارشناسی ارشد تعداد پایان نامه ها بسیار زیاد می باشد و این یکی از نقاط قوت دانشکده محسوب می شود. فرصت های مختلفی در دانشکده وجود دارد که به دلیل عدم ارتباط درست با سازمانها نمی توانیم از آنها به نحو مطلوبی استفاده کنیم. به عنوان مثال در مقاله کارآفرینی در هیچ یک از دانشگاه های کشور به صورت یک رشته تحصیلی ارائه نشده است.

در حال حاضر ما تعداد مشخصی و محدودی از دانشجویان کارشناسی ارشد را در دنیا پذیرفته ایم. البته مدتی است که برخی از سازمانها، ارتباط خوبی را با ما برقرار کرده اند. برای نمونه پایدعرض کنم که بیشتر تحصیل کرده ها و دانشجویان گروه فناوری ما، پایان نامه های خود را در اختیار شرکت های مخابرات قرار داده و تعامل علمی مستمری را برقرار

کرده اند. این در صورتی است که بین دانشکده و وزارت بازرگانی ارتباط تعریف شده ای، وجود نداشته و دانشجویان همواره با مشکل مواجه می شوند. اعتقاد ما این است که دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد و دکتری ما محققانی هستند که با هزینه اندک پروژه های علمی را انجام می دهند. مشکل اصلی ما این است که ما نمی دانیم یکسری از دانشجویان خود را باید به کجا معرفی کنیم تا از استعدادها و توانمندیهایشان به نحو احسن استفاده شود از طرفی دانشجویان ما فرصت زمانی محدودی را دارند که اگر در این فرصت، حمایت های لازم از آنها به عمل نیاید، سعی نخواهند کرد، کار تحقیقی خود را عمیقاً و با انگیزه بالا به پایان برسانند. در مجموع معضل سیستم دانشکده ها و دانشگاه، عدم ارتباط تعریف شده با وزارتخانه ها و سازمانها می باشد. همانطور که عرض کردم ما در این دانشکده فرصت های بسیار خوبی داریم، اما متأسفانه به طور تعریف شده و سیستماتیک از این توان استفاده نمی شود. هرچندگاهی برخی از سازمانها، لیستی از پروژههای خود را به ما ارسال می کنند اما به علت اینکه پیگیری های لازم انجام نمی دهند، کار انجام نمی شود، وجود نیروهای توانمند و بااستعداد در دانشکده، این فرصت را به سازمانها می دهد تا با جذب آنها و با هزینه ای اندک و در یک برنامه جذب درست و منطقی از کارشناسان قوی و توانمند در سیستم خود بهره مند شوند. مورد دیگری که وجود دارد، عدم استفاده از توان اساتید چه به صورت مشاور و چه به صورت پژوهش می باشد، البته بعضی از اساتید به صورت مجزا و انفرادی با برخی سازمانها همکاری دارند. مدتی است که در دانشکده، مرکزی به نام "مرکز پژوهشهای کاربردی" فعال شده است که با سازمانهای مختلف ارتباط داشته و برای آنها پروژه هایی را انجام می دهدو برای فعالیت ها و عملکردهای خود، کارنامه ای نیز تهیه کرده است. دانشکده نیز در پی آن است که بتواند این مرکز را به یک مرکز مستقل تبدیل کند.

در واقع کار این مرکز، انجام پروژه های درخواستی سازمانهاست که آنها می توانند با کنترل علمی بر انجام امور، نظارت داشت تا کار به صورت یک پروژه موفق سازماندهی شود. به دلیل عدم ارتباط، در برقراری این تعاملها با دانشکده همانند یک بخش خصوصی رفتار می شود بر فرض باید به نقاط

مختلف ارسال شود ویا در مناقصاتی که برگزار می شود، شرکت کرد و ... این سری مسائل، باعث کندی و اشکال تراشی در ایجاد این تفاوت دانشگاه با یک بخش خصوصی در این است که هر استاد و یار دانشجویی که پژوهشی را انجام می دهد، نتایج پژوهش اش را علاوه بر اینکه در اختیار سازمان مورد نظر می گذارد، به دانشجویان و جوانان آینده که مدیران فردای این مملکت می باشند نیز ارائه می دهد. بنده اعتقاد دارم که سازمانها نیز باید رابطه تعیین شده ای را با دانشگاهها برقرار کنند و بدانند که در این مسیر، منافع آنها نیز تامین خواهد شد و بایستی تیم نظارتی دقیقی تشکیل بدهند که بتوانند به روند انجام تحقیقات نظارت داشته باشد و به عنوان یک رابطه علمی به این قضیه نگاه کند و دید ترحم آمیز نداشته باشد و به اصطلاح در تعامل با دانشگاه به یک طرح تحقیقی خوبی برسند و بتوانند در تعامل با یکدیگر این طرح را تحقق بخشند. حسن اعظم این عملکردها در این است که تمامی تجربیات، در نهایت به جوانان و دانشجویان این مملکت خواهد رسید.

### برنامه های آتی این دانشکده در تحقق اهداف سازمانی خود چیست؟

بحث توسعه برای این دانشکده بسیار مهم می باشد و مقالاتی از جمله توسعه بین رشته و توسعه رشته های حرفه ای را مورد توجه خاص خود قرار داده است. با نگاهی به تاریخچه عملکرد این دانشکده، نشان می دهد که همواره به توسعه تاکید داشته است. به عنوان مثال مدیریت مالی، سالیان سال در کشور وجود نداشت، دانشکده آن را شروع کرد و در حال حاضر نیز تا مقطع دکتری دانشجویان می پذیرد. پذیرش دانشجویان در رشته مدیریت فناوری - به معنای غیرفنی آن یعنی ترکیب مدیریت دانش فنی - راجدی است که آغاز کرده ایم و سرمایه گذاریهای لازم را روی این رشته کرد و خواهیم کرد. ارائه رشته مدیریت کارآفرینی دانشکده به عنوان رشته ای در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری دنبال می شود، در بقیه رشته ها و گروه ها نیز هماهنگی های لازم در جذب اساتید و حرفه ای تر کردن رشته ها صورت می گیرد. به عنوان مثال در رشته مدیریت بازرگانی، شاخه هایی وجود دارد که حرفه ای تر می باشند. در رشته تبلیغات، ما قصد داریم تا در دانشکده رشته ها را جزئی تر کنیم تا بتوانیم به طور تخصصی تر و حرفه ای تر به آنها



کاربردی "فصد داریم به آماده سازی دانشجویان دکتری خود بپردازیم تا بتوانیم از آنها به عنوان پژوهشگران آینده و جامعه استفاده کنیم. بنده اصرار دارم که تفاوتی در بین استاد آموزش و پژوهشی قائل شوم.

متأسفانه در جامعه برای استاد پژوهشی ارزش قائل نمی شوند.

متأسفانه این موضوع در سیستم جذب دانشگاه، بد تعریف شده است. یعنی اگر استادی در بخش آموزشی فوق عمل نکند، ناچاراً وارد بحث پژوهشی خواهد شد. طبیعت آموزش با ساختاری که در حال حاضر در کشور داریم، طوری است که در بخش آموزش آسانتر است. روال ثابتی داشته و پاسخگویی و ارزیابی شدیدی نیز بر روی آن

صورت نمی گیرد و کار پژوهشی سخت تر است و ارزیابی دقیق تری بر روی آن انجام می شود، درآمد برنامه ریزی شده ای ندارد و از همه مهمتر باید پاسخگو باشد، لذا عموماً افرادی که در کارهای آموزشی مشغول به فعالیت می باشند، تمایلی چندانی برای ورود به حوزه های پژوهشی پیدا نمی کنند. یکی از مواردی که ما در مرکز پژوهشی به آن می پردازیم، تشویق دانشجویان دوره دکتر است که بیایند در کارهای پژوهشی شرکت کنند. در حال حاضر به دلیل عدم ریسک پذیری در سرمایه گذاری بر نیروی انسانی جهت ورود به حوزه های پژوهشی، این کار به کندی انجام می شود ما در حوزه های آموزشی با چنین مشکلاتی مواجه نیستیم و کار بر طبق اصولی معمولی صورت می پذیرد. این سابقه تحقیقاتی در کارنامه بسوابق شغلی و تحصیلی فرد ثبت می شود و از آن می توان در تهیه مقاله و کتاب استفاده کرد. کارهای آموزشی این مزیت را ندارند.

شاید این موضوع که چرا اساتید ما بیشتر در حوزه آموزشی فعالیت می کنند و توجه خاصی به امر تحقیقات و پژوهش ندارند، باید با یک دید کلی و جامع مملکتی بررسی شود تا با آسیب شناسی کلی، دلیل کندی این روند شفاف شود.

در مجموع یکی از اهدافی که ما در دانشکده - و بالاخص در مرکز پژوهش های کاربردی - به آن توجه داریم بحث ترویج و تشویق امر پژوهش است.

**دانشکده مدیریت چه سیاست هایی را در زمینه ایجاد ارتباط با بخش صنعت دنبال کرده است؟**

شکل گیری مرکز پژوهش های کاربردی دقیقاً به دانشگاه ها با تیم مدیریت صنعت، ارتباط داشته باشد، مطمئناً در حین این تعامل، زبان مشترک حاصل می شود و حاصل این تعامل پروژه های بنیادی خواهد شد که مورد نیاز صنعت می باشد. قانون کشور هم صنعت را در ارتباط بیشتر با دانشگاه، حمایت می کند. تجربه نشان داده است که برخی از مدیران دانشگاهی به راحتی با بخش صنعت ارتباط برقرار می کنند و پروژه ها را به اتمام می رسانند و به عکس برخی از مدیران نمی توانند ارتباط مستمری را با صنعت برقرار کنند. البته این مسائل بیشتر به دلیل این است که در تیم مدیریتی جدا و اهداف معین در این تعامل شرکت می کنند و در دانشگاه ها باید بر روی این قضیه سرمایه گذاری شود. دانشکده مدیریت تا حدودی توانسته است به این هدف نزدیک شود. صنعت و دانشگاه، وظایف متقابلی نسبت به هم دارند که در صورت انجام آنها می توانند به یک زبان مشترک در تعامل خود برسند.

کمرنگ شدن این ارتباط محصول وجود یکسری ابهامات در تشخیص انجام این وظایف می باشد. در برخی از رشته های دانشگاهی این ارتباط به نحو مطلوبی ایجاد شده است و تداوم نیز دارد. به عنوان نمونه در رشته های فنی، آمار پروژه های دانشکده فنی دانشگاه تهران در مقایسه با دانشکده مدیریت نشان می دهد که آنها در این زمینه بیشتر فعالیت داشته اند. ما باید هرچه سریعتر این زبان مشترک را ایجاد کنیم.

**■ در کشور ما مدیران بخش صنعتی بیشتر از فارغ التحصیلان رشته های فنی و مهندسی هستند تا مدیریتی؟ به نظر شما علت این موضوع چیست؟ در بررسی این موضوع دیدگاه های متفاوتی مطرح شده است. برخی معتقدند که فارغ التحصیلان فنی، تیزهوش تر، توانمندتر و دارای دید حرفه ای بوده و از قدرت حل مساله بالاتری نسبت به فارغ التحصیلان رشته های مدیریتی برخوردارند. آنها جرات ریسک پذیری بیشتری دارند. اختلاف نظرهای بسیاری در تعیین علت این مساله وجود دارد. ولیکن فارغ التحصیلان فنی بیشتر توانسته اند با صنعت تعامل برقرار کنند.**

**■ به نظر شما چه راهکارهایی را برای حل این مساله می توان برنامه ریزی کرد؟** برخی معتقدند که جامعه افراد توانمند را شناسایی می کند بنابراین اگر دانش آموختگان رشته های فنی در مقام مدیریت بخشهای صنعتی قرار گرفته اند حتماً جامعه به این نتیجه رسیده است که آنها توانمندتر بوده اند. بنده با این نظر موافق نیستم و معتقدم این مقام در بین فارغ التحصیلان رشته های فنی از بعد از انقلاب موروثی شده است.

**■ به نظر دانشکده های مدیریت برای حل این مشکل کوتاهی نکرده اند؟**

دانش آموختگان رشته های فنی ما پس از گذشت مدت زمانی متوجه شدند که به ابزار مدیریتی که همان دانشهای مدیریت است نیاز دارند؟ همین منظور بوده است که وزارت علوم دانشگاه تهران فضای مناسبی را در اختیار قرار داده است. در حال حاضر به دنبال جذب اساتید ثابت هستیم با تشویق دانشجویان دکتر، آنها را برای ایجاد این ارتباط ترغیب کرده ایم.

چندی پیش بحث ایجاد دفتر ارتباط با صنعت مطرح شده بود که این دفتر نیز در دانشگاه ها راه اندازی شد - البته نه به طور کامل - بعد به این نتیجه رسیدند که این ارتباط باید هویت پیدا کنند و وجود یک دفتر صرفاً نمی تواند در ایجاد و تداوم این ارتباط نقش داشته باشد.

صنعت انتظار دارد که دانشگاه ها، مفاهیم تئوری را به مفاهیمی کاربردی مبدل سازند و معتقد است که دانشگاه ها هنوز به طور کامل به کاربردی سازی علوم و دانشها نمی پردازند. چنانچه تیم مدیریت دانشکده ها، ارتباط تنگاتنگی با مدیران صنایع برقرار کنند و از حال دفتر خارج شود. به عنوان مثال در حال حاضر برخی از دانشگاه های صنعتی لزوم برگزاری دوره های MBA را احساس کرده اند و دیگر دانشگاه ها نیز تشکیل این دوره ها را در دستور کار خود قرار داده اند. در واقع به لزوم وجود حلقه مفقودی به نام مدیریت واقف شده اند.

به اعتقاد بنده تنها رشته ای که در آن طرز تفکر و استفاده بهینه از تمامی منابع به آموزش گیرنده منتقل می گردد، رشته مدیریت می باشد چرا که مدیریت را با تعریف دانش فراهم آوردن بستر مناسب جهت استفاده بهینه از تمامی منابع می شناسیم. یکی از ضعفهایی که ما با آن رو به رو هستیم، عدم ارتباط بین المللی است. اگرچه این حرکت شروع شده است منتها به طور منظم و هدفدار نمی باشد.

ما در برنامه های آتی دانشکده مدیریت سعی داریم بیشتر به بحث های توسعه هم به لحاظ کمی و هم به کیفی دانشجویان، تنوع رشته ها تعداد اساتید، ارتباط با مجله های خارجی و توسعه مجلات دانشکده در بخش پژوهشی، بپردازیم. در این دانشکده توسعه کمی و کیفی بخش پژوهشی پیگیری می شود و توانسته ایم ارتباط قوی و تنگاتنگی را با صنایع و جامعه و حکومت برقرار کنیم. ما در زمینه بحث فسادهای مالی - اداری همایشهای مفید در دانشکده را برگزار کردیم و قصد داریم تا پس از وقفه ای کوتاه که در برگزاری آنها ایجاد شد - مجدداً به احیای این گونه همایشها اقدام کنیم. قطعاً بررسی این مساله در فضایی علمی و تخصصی به تدوین راهکارهای کاربردی تری منجر خواهد شد. به مجموع باید بگویم که دانشکده مسائل مختلفی را در چشم انداز برنامه های خود قرار داده است.